

## امام و سلوک تفسیری

سید عباس صالحی

امام خمینی، دلداده قرآن بود. از آن بوستان، عطرها گرفت و برفشانند. آیه های آن، در سخنان وی تاب مستوری نداشت. سطر سطر نوشته ها و حرف حرف گفته هایش با ترنم آهنگ وحی همخوان بود.

این دل‌بستگی، رهاورد انس مداوم با قرآن بود. او که در غیر ماه رمضان، هر ماه سه ختم قرآن داشت، تلاوت را با تصفیه روحانی و تدبّر عقلانی آمیخت و در اوراد شبانه و اذکار روزانه، به یاد آیات الهی متنعم بود و با زمزمه کلام وحی مترنم بود و این همه، به او این مکان را بخشید که در حیات طیبه اش، قرآن را از متن مکتوب به زلال جاری در زندگی فردی و جمعی بدل کند و آهنگ مغفول وحی را در دنیای فسرده مادی، ساز کند و با این نغمه داودی، جامعه و جهان را حیات مجدد بخشد.

رویکردها به قرآن

نگرش به قرآن، روش ها و گونه های متعددی داشته و دارد. هنر و اعجاز امام خمینی، آن بود که در سه گرایش عمده تفسیری، (متن گرایی)، (تأویل گرایی) و (عمل گرایی) ترکیبی موفق آفرید. گرایش های متن گرایانه، معتقدند که مؤلف هر متن، دارای مقصود و مقصد معین است و کار اصلی خواننده، کشف همان نیت است. هم چنین بر این باورند که خداوند، با زبان بشری به گفت و گو با انسان پرداخت. از این رو در همین قالب و ادوات، باید به تفسیر کلام او نشست و مقصد و مطلوب او را دریافت؛ یعنی در ساحت ظهور عرفی زیست و ذره ای از آن تخطی نداشت. به نظر ایشان، هر راهی جز آن، برداشت های سلیقه ای و فردگرایانه را باز می کند و قداست و اصالت وحی را به مخاطره می افکند.

این گرایش، تمامی تفسیرهای کلاسیک را در بر می گیرد. هر چند در درون خود، نحله ها و مشرب های گوناگون دارد. از جمله: تفسیرهای فقهی، کلامی و ...

اما گرایش تأویلی، اعتقاد دارد که کلام خداوند را نباید در سطح کلام بشری فرود آورد، زیرا سخن وی، القای یک سویه نیست تا آدمی بشنود و به اکتشاف برخیزد، بلکه روی سخن با گوهر وجود آدمی دارد و تنها در این گفت و شنود است که رفت و آمد معنی تحقق می یابد.

در این گرایش، به جای تأکید بر آشنایی مفسر با دقایق زبان عربی و تاریخ نزول و دیگر علوم رسمی، سیر و سلوک روحی خواننده آیات وحی، معیار دریافت و تراز درک به شمار می آید.

در قرن اخیر، گرایش عمل گرایانه ای پدیدار گشت که به جای سلوک فردی، بر میزان و چگونگی عمل اجتماعی تأکید داشت. به نظر اینان، عمل صالح اجتماعی است که بر توفیقات درک و فهم قرآن می افزاید. از این رو عارف سر در گریبان و دانشور چشم بر اوراق، نمی توانند آفاق وحی را در

نوردندند. چه اینکه قرآن نیامده است تا بر معلومات بشری نکته یا نکته هایی بیافزاید - هر چند از فواید ثانوی آن به شمار رود - هم چنین، قرآن چون کتاب بودا و... نیست تا دستگیر آدمی در سلوک فردی و عبور از عقبه های آن باشد، بلکه قرآن، کتاب ساخت و ساز جامعه آرمانی است. از این رو، تنها در یک سلوک اجتماعی است که می توان پرسش ها را دید و در استنطاق توفیق مند با آیات وحی قرار گرفت.

سید قطب، در تفسیر (آیه نفر) [و ما كان المؤمنون لينفروا كافة... توبه / ۱۲۲] می نویسد: (آنان که برای جهاد خروج می کنند، سزاوارترین مردم برای درک مفاهیم دین هستند. زیرا بسیاری از اسرار و معانی دین برای ایشان آشکار می شود... شاید برخی گمان کنند که موضوع، عکس است. زیرا به گونه معمول، کسانی که بر جای می مانند و حرکت و قیام ندارند فرصت بیشتری برای تحصیل و تأمل می یابند ولی تجربه نشان داده است که عناصر راکد و بی تحرک نمی توانند درک عمیق و صحیحی از دین داشته باشد، هر چند وقت زیادی برای مطالعه بگذارند. حقایق دین بر کسی آشکار می شود که پویا و تلاشگر در صحنه جهاد و عمل باشد، نه برای آنها که در کتاب ها غرقند و در زاویه اوراق، اعتکاف گزیده اند.)  
(فی ظلال القرآن، ۱۷۳۴/۳)

#### نگرش ترکیبی

امام خمینی، سه گونه گرایش تفسیری را ناهمساز ندید و در بیانات و نوشته های خویش، از هر یک بهره گرفت. در کتاب های فقهی خود، هرگاه به آیات وحی استناد کرد، همان روش کلاسیک را پیمود و ذره ای از آن سرنیچید. به عنوان نمونه، در موضوع حرمت بهره وری از اعیان نجس، به آیه ۹ سوره مائده [انما الخمر و المیسر و الأنصاب و الأزلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه] استدلال شده است. ایشان چونان دیگر مفسران متن گرا، به کاوش پرداخت که آیا ضمیر (فاجتنبوه) به شیطان باز می گردد، یا به (رجس)؟ و در فرض اخیر، آیا هرگونه پلیدی را در بر می گیرد یا تنها پلیدی شیطانی را؟ و با این احتمالات، آیا می توان از آیه، چنین فهمید که از بهره های حلال اعیان نجس نمی توان بهره برد؟!

همان گونه که می نگرید در این بررسی، ایشان چون دیگر مفسران کلاسیک حرکت می کند، ارتباطات زبانی، مدلول های عرفی و... را معیار برداشت قرار می دهد و استدلال و نقد را بر آن بنیاد، بنا می نهد.

اما امام خمینی در نوشته ها و مکتوبات عرفانی، اخلاقی و تربیتی خویش، شیوه تأویل را بر می گزیند و روش نخست را ناکارآمد می شناسد و اظهار می کند:

(یک طائفه از علمای تفسیر قرآن، که استفادت از قرآن را منحصر به ضبط و جمع اختلاف قراءات و معانی لغات و تصاریف کلمات و محسنات لفظیه و معنویه و وجوه اعجاز قرآن و معانی عرفیه و اختلاف افهام ناس در آنها دانند و از دعوات قرآن وجهات روحیه و معارف الهیه آن به کل ی غافلند،

اینان نیز به مریضی مانند که رجوع به طبیب نموده، نسخه او را گرفته و معالجه خود را به ضبط نسخه و حفظ آن و کیفیت ترکیبات آن دانند. (آداب الصلاة، ۱۷۱)

بخش قابل توجه از مکتوبات امام خمینی چون آداب الصلاة، چهل حدیث، شرح دعای سحر و... و نیز پاره ای از سخنرانی های ایشان و از جمله سلسله درس های تفسیر سوره حمد، با این نگرش، تألیف و یا ارائه شده اند که مفسّر، باید مقصد نزول را پیگیری کند و مقصود نزول وحی را ارتق ای معرفت عرفانی و اعتلای گوهر روحانی بداند و در راه آن بکوشد.

امام، در جایگاه رهبری نهضت و مصلح اجتماعی، نگاه دیگری به قرآن داشت. کوشید آن راهنمای عمل قرار دهد، مبارزات خود را در آن افق قرار دهد و با آیات وحی، در مرحله انقلاب، مؤمنان را سیراب سازد.

در نخستین مکتوب سیاسی - اجتماعی خود، به این آیه اشاره می کند: (قل انما اعظکم بواحدة أن تقوموا لله مثنی و فرادی) (سبا/ ۴۶). ایشان، بر خلاف مفسران کلاسیک و یا تأویل گرا، از آیه یادشده قیام در برابر ظلم و ستم را برداشت می کند و از آن، منشوری برای مبارزه می سازد که به اندازه توش و توان، در گروه های کوچک و بزرگ، باید به قیام علیه ستمگران رو آورد.

و یا بارها روزهای حماسه سازی چون ۱۵ خرداد، ۲۲ بهمن و... را یوم الله خواند و به بزرگداشت آن دعوت کرد و آن روزها را مصداق آیه شریفه (و ذکرهم بأیام الله) (ابراهیم/۵) دانست.

... و این نمونه ها، در سخنان و مکتوبات وی اندک نیستند.

#### بنیادهای سازواری

پرسش اساسی آن است که چگونه امام خمینی توانست سه گرایش تفسیری را ترکیب کند و در آمیزه ای موفق و غیر متناقض، آن را ارائه دهد.

پاسخ به این پرسش، از حوصله نوشتار حاضر بیرون است، اما توجه به چند پیش فرض در نوشته ها و گفته های ایشان، می تواند ره پاسخ را نشان دهد.

۱. قرآن، دارای مراتب است. ظهر و بطون دارد. این دعوی، در گفته ها و نوشته های ایشان، به تکرار و به عبارت های گوناگون مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله:

(قرآن، مراتب دارد. هفت بطن یا هفتاد بطن از برای قرآن است. از این بطون تنزل کرده است تا رسیده است به جایی که با ما می خواهد صحبت کند.) (تفسیر سوره حمد، ۱۳۶)

۲. قرآن، همواره گرفتار یکسویه نگری ها در تفسیرها و برداشت ها بوده است. نگاه تک بعدی به قرآن، موجب آن بوده و هست که یک روش به عنوان تنها راه و یا یک قلمرو به عنوان تنها محدوده موضوعات قرآنی به شمار آید.

امام خمینی، از این بلیه، بارها ابراز تأسف کرده است، از جمله:

(مع الأسف... در یک زمان ما مبتلا بودیم به یک جمعیتی که قرآن را وقتی نگاه می کردند و تفسیر می کردند... اصلاً به آن جهت بعد مادی اش، بعد دنیای اش توجه نداشتند، تمام را برمی گرداندند به یک معنویاتی حتی قتال را... تأویل به قتال با نفس می کردند... طایفه دوم عکس

کردند، معنویات را فدای مادیات کردند... هرآیه ای که دست شان می رسد و بتوانند، تعبیر می کنند به یک امر دنیایی. (صحیفه نور، ۱۰/۲۷۴)

۳. قرآن، دو گونه آیات است در آیات عمل که مبنای فقه و شریعت است، باید بر اساس قوانین عام زبانی رفتار کرد و راهی برای تأویل نبوده و نیست:

(در قرآن نیز همین دو گونه آیات وارد است؛ یکی آیات عملی که باید توده به آن عمل کنند و در کشور باید به مورد اجرا گذاشت و دیگری آیات علمی که چنین نیستند. ناچار احادیث و آیاتی که از دسته اول است، چون عمومی است و برای عمل کردن است، باید با فهم عموم درست بیاید، در آنها تأویل و توجیه راه ندارد.) (کشف الاسرار / ۳۲۱)

۴. مرز بازشناسی تفکر و تدبر از (تفسیر) نکته دیگری است که امام خمینی مورد توجه قرار داده است. به نظر ایشان، برداشت های عرفانی، اخلاقی و تربیتی که با تفکر و تعمق از آیات به دست می آیند، نام (تفسیر) بر نمی تابند تا دغدغه تفسیر به رأی در آنها راه یابد.

(تفکر و تدبّر در آیات شریفه را به تفسیر به رأی که ممنوع است اشتباه نموده اند... در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد. مثلاً اگر کسی از کیفیت مذاکرات حضرت موسی(ع) با خضر(ع)... شاید بیست ادب در آن هست استفاده کند، این چه ربط به تفسیر دارد تا تفسیر به رأی باشد و بسیاری از استفادات قرآن از این قبیل است.) (آداب الصلاة/ ۱۹۹)

این اصول و دیگر نکات - که در این نوشتار زمینه اشاره و تفصیل آن نیست - بنیادهای نظری امام خمینی را در ترکیب سه گرایش تفسیری ساخت و پرداخت، و او را در قله شامخ مفسران وحی در عصر حاضر در آورد. راهی که هنوز رهرو می طلبد و لَبّیک گو می جوید.